**فرهنگستان**

**یغمائی، حبیب**

در موضوع فرهنگستان و تجدید تشکیل این مؤسسهء فرهنگی در مجله یادگار و مجلهء یغما مکرر بحث شده و تصوّر می‏رود پس از گذشت سال‏ها،دیگربار تذکاری‏ در این زمینه بجا باشد.

اگر حافظه به خاطر نرفته باشد در سال 1314 در جنب کتابخانهء مسجد عالی‏ سپهسالار مؤسسه‏ای به نام«فرهنگستان ایران»ایجاد و افتتاح شد و جمعی از دانشمندان به عضویت آن انتخاب شدند.

فرهنگستان‏ایران در اوایل تأسیس،با تأمل و تأنی و با مطالعات کافی،در انتخاب اصطلاحات و لغات اصیل فارسی و ترویج آن لغات اهتمامی بسزا داشت،اما چندی نگذشت که اشخاصی نامناسب و ناآزموده که در فنون فرهنگی اطلاعاتی‏ عمیق و صلاحیتی مقبول نداشتند،با شتابی مصنوعی به میدان آمدند،به طوری که‏ مطالعه و تحقیق و تأمل را مجال نماند.

در این ایّام بود که همه‏هفته پی‏درپی لغات و اصطلاحاتی غالبا بی‏ریشه و بی‏نژاد به وسیلهء بخش‏نامه‏ها و روزنامه‏ها انتشار می‏یافت و به کار می‏رفت چنان‏که‏ امروز هم بعضی از آن‏ها رایج است.

در گرماگرم طرح و تصویب این‏گونه لغات و اصطلاحات بود که از سیّد حسن تقی‏زاده مقالهء تقریبا بدین مضمون و معنی در مجلهء رسمی وزارت معارف انتشار یافت که:«ترویج زبان و فرهنگ یک ملّت به اکراه امکان‏پذیر نیست»و چندی‏ بعد هم مرحوم فروغی رسالهء«پیام من به فرهنگستان»را با عباراتی ملایم‏تر و آهسته‏تر نوشت که برخلاف مقالهء نخستین دشواریهائی برنینگیخت.

اهتمام دیگر فرهگستان در تدوین فرهنگ دقیق و کامل فارسی بود. فراموش نمی‏شود روزی که مرحوم حسن وثوق الدوله(گویا رئیس فرهنگستان) و دانشمندانی دیگر چون محمّد علی فروغی و حسین سمیعی(ادیب السّلطنه) و اقران‏ آنان از اعضاء فرهنگستان،عده‏ای از اهل ادب و مطالعه را برای چنین خدمتی‏ دعوت کرده بودند،در آن جلسه در ترتیب و تنظیم فرهنگ فارسی از هر در سخن‏ رفت و راه‏هائی نموده شد که اگر پرونده‏اش بجای مانده باشد و مذاکرات آن جلسه‏ حفظ شده باشد نقل و بازگفتن عقاید بزرگان قوم در آن روزگاران بی‏لطف نیست، و البتّه نیازی به گفتن نخواهد بود که آن جلسه بی‏نتیجه ماند،و تدوین فرهنگ‏ عظیم و اصیل فارسی که موردنظر بود تبدیل شد و دو تألیف از بدیع الزّمان‏ فروزانفر و سعید نفیسی اوستادان ارجمند،که این هر دو نسخه به هزینهء فرهنگستان چاپ شد امّا هر دو تألیف ناتمام ماند و فرهنگ ناتمام هم مورد استفاده‏ نتواند بود.

\*\*\* بعد از حادثهء شهریور 1320،وزیر فرهنگ وقت(گویا جناب دکتر صدیق) بی‏اعتباری بسیاری از مصوّبات فرهنگستان را اعلام کرد و نویسندگان را در استعمال آن‏ها مخیّر ساخت.فرهنگستان هم از لغت‏سازی دست بازداشت و دوره‏ای‏ نو آغاز کرد،بدین معنی که به خواندن و به خواهش مرحوم حسین سمیعی‏ (ادیب السلطنه)که در این هنگام ریاست فرهنگستان را داشت،عده‏ای از شاعران و نویسندگان و اهل‏فضل همه هفته در فرهنگستان اجتماع و در فنون ادب بحث‏ می‏کردند،و این انجمن ادبی چندگاهی گرمی داشت،اما پس از مدّتی کوتاه‏ بی‏این‏که خدمتی مفید بنماید تعطیل شد،و از آن پس،نام فرهنگستان ایران‏ هم که مرحوم عبّاس اقبال بدان صفت«ملعون»داده بود یکباره از زبان‏ها افتاد. \*\*\* تصور نمی‏رود از نگاه‏بانان ادب و فرهنگ ایران کسی پیدا شود که وجود مؤسسه‏ای با نام چون فرهنگستان را در این دوران لازم نداند و منکر و ملعون‏ شمارد.در هیچ زمان فرهنگ عمومی ایران چون امروز گسترش نداشته و با اهتمامی که هم‏اکنون در باسواد کردن مردم می‏شود ممکن است و شاید پس از سالیانی چند همه افراد ایران از خواندن و نوشتن برخورداری یابند،اگر برای‏ این افراد باسواد که همه‏روزه بر تعداد آنان افزوده می‏شود قانونی مسلّم و یک‏نواخت در درست خواندن و درست نوشتن فارسی نباشد و در راهنمائی آنان‏ مسامحه و تعلّل شود گناهی است نابخشودنی.

از سخن سخن می‏شکافد:سالهاست چندتن از بزرگان نویسندگان و استادان‏ ادب که-اگر نامشان یاد شود صلاحیت علمی و ادبی آنان را هیچ‏کس منکر نتواند شد-هفته‏ای یک‏بار در دفتر مجلهءیغما اجتماع و در فنون ادب بحث می‏کنند.این‏ عدهء منتخب و معدود پس از بحث‏ها و مناظره‏ها و استدلال‏ها هنوز در کتابت بسیاری‏ از کلمات هم‏رای و هم‏داستان نشده‏اند،پس وقتی همه مردم باسواد شوند و در نوشتن‏ کلمات هم‏آهنگی نداشته باشند معلوم است آشفتگی و درهم‏وبرهمی زبان زبان فارسی‏ بکجا خواهد رسید.پس برای نگاه‏بانی از بی‏بندوباری و لگام گسیختگی‏ نویسندگان جوان،و راهنمائی و هم‏آهنگ ساختن آنان مؤسسهء فرهنگستان از وجود بسیاری از مؤسسات فرهنگی دیگر-که هر روز بنامی ایجاد می‏شود-لازم‏تر و مفیدتر است و گرچه وظایفی را که برعهده دارد چنان‏که می‏باید انجام ندهد.

ممکن است و شاید در بعضی از داوری‏ها فرهنگستان ایران هم‏چون بسیاری‏ از مؤسسات علمی از اشتباه و لغزش مصون نماند اما وقتی پس از مطالعه‏ها مجادله‏ها مصوّباتی از این مؤسسه-که جنبه رسمی و قانونی دارد-اعلام شد،و همگان به رعایت‏ آن گردن نهادند رفته‏رفته این آشفتگی و تشویش که اکنون در زبان‏فارسی است‏ از میان خواهد رفت،و یک نوع یک‏سانی و یک‏نواختی که منظور و مطلوب اصلی‏ است رواج خواهد یافت.

جز این،فرهنگستان خدمت‏های دیگری هم می‏تواند عهده‏دار باشد که‏ ارزش آن خدمت‏ها را اکنون در نتوانیم یافت و از جمله یکی این است:

نویسندگان و مؤلفان توجه فرموده‏اند که چندی ادارهءکل نگارش‏ وزارت فرهنگ و هنر به منظور راهنمائی و ارشاد،کلیهء کتب و رسائل را پیش از چاپ و انتشار دقیقا بازرسی می‏فرماید.

این اهتمام و توّجه در آراستن و پیراستن زبان فارسی درخور نهایت تحسین‏ و تمجید است در صورتی که صلاحیت واجتهاد بازرسان مسلّم باشد،معنی مراتب‏ فضیلت آنان بر نویسندگان کتاب،چون مراتب فضیلت استاد باشد نسبت به شاگرد. در پیشگاه خردمندان جهان تا چه حد پسندیده‏تر و نام‏تر است که وزارت فرهنگ‏ و هنر نخست فرهنگستان ایران را افتتاح کند و چونین کارهائی را بآن مؤسسه‏ محوّل فرماید.توقع نباید داشت،که فرهنگستان مخصوصا پس از تأسیس مجدد. در پیمودن راه علم و ادب با دانشگاه هم‏گام باشد ولی،باری،وجود این مؤسسه‏ هرچه باشد از یک دبیرستان لازم‏تر و مفیدتر است در صورتی که هزینهء آن ناچیزتر و کم‏تر از هزینه یک دبیرستان خواهد بود.

در همه کشورهای جهان فرهنگستان و دانشگاه در دو کفهء متعادل‏اند در ایران هم این دو،فرزندانی توأمان بودند که یکی را جام می نصیب اوفتاد و یکی‏ را خون‏دل.